

مجله " اکونومیست " – پانزدهم دسمبر 2012 م  
مترجم : پیکار پامیر

## پاکستان و طالبان افغانی بسوی میز مذاکره

" اکونومیست " تبصره یی دارد پیرامون تحرکات شتابنده ی اخیر مبنی بر کشاندن گروه طالبان بالای میز مذاکره با دولت کابل . مجله نامبرده، این تبصره را در شماره ی مؤرخ پانزدهم ماه دسمبر سال روان خویش به نشر سپرده است . چون این موضوع، مستقیماً به افغانستان و وضعیت سیاسی – نظامی (حال و آینده ) آن ارتباط دارد، بنابراین، اینک ترجمه ی فارسی دری تبصره ی نشر شده را غرض مطالعه شما عزیزان تقدیم مینمایم:

" یکنوع فعالیت معجل و دیپلماتیک در کابل و اسلام آباد بمشاهده میرسد که مقصود از آن، کشاندن طالبان افغانی بالای میز مذاکره ی صلح میباشد. بلی ! یکنوع ابتدال دیپلماتیک در چند هفته ی اخیر در راستای پرداختن به حرکات تشجیع کننده در جریان است . در ماه مارچ، کوششی بمنظور گفت و گو میان ایالات متحده ی امریکا و طالبان در قطر صورت گرفت ، ولی بسیار زود قطع گردید. نخستین نشانه ی تغییر {تحول} وقتی به نظر رسید که پاکستان به تعداد هجده تن از طالبان افغانی پایین مرتبه را در ماه نوامبر از زندان رها نمود تا در روند مذاکرات سهم بگیرند. این همان چیز است که کابل، واشنگتن و لندن خواهان آن اند. پاکستان محور انکشاف در افغانستان است ، زیرا شورشیان {گروه طالبان مسلح} و رهبران شبکه ی حقانی و شورای کویته از قلمرو پاکستان بمتابه ی پناهگاه امن خویش استفاده مینمایند. پاکستان، آنان را پس از فرار شان در سال 2001 میلادی از افغانستان، تا کنون نگهداشته است . باسناد و شواهد، کشورهای خارجی { امریکا و متحدان بین المللی آن } در نظر دارند، دیدگاه شان در قبال پاکستان را تغییر دهند. در جریان سالهای پسین، جامعه ی جهانی به رهبری ایالات متحده ی امریکا و حکومت رییس جمهور کرزی به پاکستان بعنوان

دشمن مینگریستند. مقامات پاکستانی در اسلام آباد تأکید دارند که جنگ افغانستان پایان خواهد یافت اگر از رهگذر سیاسی با طالبان مساعدت صورت گیرد. اما جانب امریکا ترجیح میداد راه پیروزی از طریق نظامی را ادامه دهد. تلاشی که گفته میشود بالای مخفیگاه های شورشیان اثر بنیادی نداشته است. حال، ایالات متحده ی امریکا حاضر شده برای پاکستان این گزینه را مهیا سازد تا با طالبان معامله یی را انجام دهد. بهمین سلسله، علی رغم حمله ی تروریستی اخیر بجان رییس امنیت ملی افغانستان، روابط میان حکومت دو کشور (افغانستان و پاکستان)، نرم تر شده است. همه ی افکار و اذهان به سوی سال 2014 م متوجه هستند. چون که پس از آن سال، تقابل نظامی نیرو های جامعه ی بین المللی قطع شده و افغانستان در آن صورت، با اقتصاد بیمار، حکومت مفسد، وجود بخشهای متنوع نژادی {درداخل افغانستان} و اردوی نا مکمل خویش به یک مملکت شکننده مبدل خواهد شد. هیچ دولتی آرزو ندارد در افغانستان هرج و مرج و جنگ ذات البینی را نظاره گر باشد، بنابراین، تلاش بخرچ میدهند تا همکاری و تساند را گسترده تر سازند. مثلاً، بهمین منظور، ساختاری توسط حامد کرزی بنام " شورای عالی صلح" بمیان آورده شده تا با شورشیان مذاکره و تفاهم صورت گیرد. چنانکه نقشه ی راه نیز مرتب گردیده که باساس آن، پیشبینی میشود مذاکرات مورد نظر، سال آینده فی مابین حکومت کرزی و گروه طالبان صورت پذیرد. برنامه یی تدوین شده که بر وفق آن، قرار است طالبان، بدون رای گیری یا رای دهی عامه، در ترکیب دولت مرکزی، حکومت ایالتی و سایر پُست های رسمی سهیم ساخته شوند. یعنی همان تئوری واگذاری جنوب و جنوب شرق افغانستان برای طالبان مصداق خواهد یافت. "

" یک مقام رسمی پاکستان گفت حکومت متبوعش سعی خواهد نمود طالبان را ترغیب کند، ولی نمیتواند آنها را برای نشستن بالای میز مذاکره تحت فشار قرار دهد. این، مکلفیت حکومت افغانستان است که طالبان را به مذاکره متقاعد سازد. این ادعا که پاکستان بالای طالبان نفوذ دارد، یک گزافه است. ذبیح الله مجاهد یکی از سخنگویان طالبان میگوید ما فقط

با امریکا مشکل داریم و تنها با آن کشور گفت و گو خواهیم نمود، زیرا حامد کرزی یک رییس جمهور دست نشانده میباشد.... سخنگوی مذکور علاوه نمود که گروه طالبان در کنفرانس هفته ی آینده ی پاریس به این منظور اشتراک خواهند نمود تا خواسته های شان را برای جهان بفهمانند و مقاصد و احساسات شان را توضیح نمایند. پاکستان متهم است که میخواهد از وجود طالبان برضد نفوذ هند در افغانستان استفاده بعمل آرد. جانب حکومت افغانستان اظهار مینماید که پاکستان در این مورد با فقدان بصیرت مواجه است."

" شاید اکنون پاکستان به این نتیجه رسیده باشد که بهتر است با شورشیان داخل معامله شود؛ زیرا خودش در داخل خانه ی خود دچار هرج و مرج گردیده است. آنچه برای امریکا مهم است، اینست که لااقل بتواند رابطه ی طالبان را با سازمان القاعده منقطع ساخته آنان را مجبور کند تا قانون اساسی متمایل به شیوه های غربی در افغانستان را بپذیرند و آنگاه، دور مذاکرات قطر را از سر گیرد و زندانیان گروه طالبان را از زندان گوانتانامو رها سازد. حتا شاید اسمای یکتعداد از فرماندهان طالبان را از لیست سیاه سازمان ملل حذف نمایند تا آنها بتوانند غرض اشتراک در مذاکرات به سفر پردازند. "

تلاشهای دیپلماتیک همیشه روی امید واری ها استوار است. شاید برخی از فرماندهان طالبان وعده ها را زیر پا گذارده و معامله غبارآلود گردد، مگر لا اقل تلاش و اقدامی سیاسی غرض پایان دادن به جنگ صورت گیرد. " (پایان)

**یادداشت مترجم :** از متن این تبصره بر می آید که جهان غرب به رهبری ایالات متحده ی امریکا و متحد نزدیکش (انگلستان) و دو رژیم نوکرسفت آنها ( پاکستان و عربستان وهابی )، سرنوشت ملت و مملکت ما را به رشته ی خام و بسیار شکننده یی بسته اند. از فحوا چنین بر می آید که جنگ در افغانستان سر دراز داشته باشد و این کشور پامال شده، آبستن حوادث خونین ترو طولانی تر دیگری خواهد بود. اعتقاد ما اینست که حتا با ادغام مجدد گروه تروریستی طالبان در حاکمیت سیاسی افغانستان که بخش عمده ی منافع و مقاصد استعماری پاکستان و اربابان آن را احتوا خواهد نمود، باز هم غایله در همینجا پایان نخواهد یافت. صرفاً هشیاری سیاسی افراد و کتله های مردم، اتحاد مستحکم ملی و مبارزه ی قاطع در برابر دست اندازیهای اجانب است که میتواند شکست پلانهای استعماری در سر زمین عزیزمان را تضمین نماید .